

منصور پویان

تفاوت ماهوی ادیان ایرانی با ادیان ابراهیمی- ۱۵

ضحاک در فرمانروایی هزار ساله خود، ایران را در ظلمت بیداد فرو برده بود. ماران ضحاک که از مغز سر جوانان تغذیه می کردند، خود نشانه ای هستند از فزون طلبی و محنتی که ضحاکیان بر مردمان بابل و ایران تحمیل کرده بودند

باری، آنچه ضحاک سامی نژاد در خواب دیده بود، یک به یک صورت تحقق یافت :

خجسته فریدون ز مادر بزاد / جهان را یکی آمد نهاد
ببالید بر سان سرو سُهی / همی تافت زو فر شاهنشهی
گزمگان در پی یافتن فریدون به خانه گردی دست زدند. مانند موسی که فرعونیان در پی جستجوی خانه گردی می کردند، فریدون نیز پس از زاده شدن، تحت تعقیب و ردیابی قرار گرفت.
فرانک، مادر فریدون، او را چند بار از خطر دستگیری می رهاشد. فرانک برای پنهان نگاهداشتن فریدون از پیگرد مأموران ضحاک، کودک خردسال را اول بار به دهقانی می سپارد که گاوی شیرده در تملک دارد. این گاو که نامش؟ پرمایه؟ بود، به مدت سه سال، از شیر خویش فریدون را بهره مند می سازد. بعداً، در زبان ها شایعه می شود که ضحاکیان ردپای فریدون کوچک را در کشتزارهای خارج از شهر بازیافته اند. فرانک هراسان به نهانگاه می شتابد و کودک را از مهلکه نجات می دهد. مأموران وقتی بدانجا می رسند که مرغ از قفس پریده است. مأموران حکومت به منظور مجازات، آن گاو شیرده را به همراه دیگر چهار پایان متعلق به آن دهقان نابود می کنند.

باری، فریدون دور از چشم ضحاکیان می روید و می پوید و به شانزده سالگی می رسد :

چو بگذشت بر آفریدون دو هشت / ز البرز کوه اندر آمد به دشت
بر مادر آمد، پژوهید و گفت / که بگشای برمن نهان از نهفت
بگو مَر مرا تا که بودم پدر؟ / کیم من به تخم از کدامین گهر؟
مادر اسرار سر به مهر را بر فریدون فاش می کند. می گوید که پدرش آبتین نام از نژاد کیان است که در راه سیر کردن ماران ضحاک کشته گردید.
دلش گشت پر درد و سر پر زکین / به ابرو ز خشم اندر آورد چین

*

بشنوید از طرف دیگر که: ضحاک در نگرانی از تعبیر خواب و از ترس تحقق یافتن آن، روزگار پریشانی داشت. برای تخفیف بی قراری ها، ضحاک بر آن می شود که از اقصی نقاط کشور نمایندگان و مؤیدان را فرا خواند تا در مجلسی با حضور او، گواهی دهند که او همانا پادشاهی دادگستر و مردم نواز بوده است. نمایندگان فراخوانده شده، دردا که از ترس جان، مهر تأیید بر مدعیات ضحاک می زنند :

زبیم سپهبد همه راستان / بدان کار گشتند همداستان
در آن محضر اژدها، ناگزیر / گواهی نداشتند برنا و پیر
خبر در کوی و برزن پایتخت، دهان به دهان می گردد. همگان از تجمع برگزیدگان و حکم دروغ آنان خبردار می شوند. در کشاکش نشست ها، غلغله ای در شهر می پیچد و فردی، علناً، زبان به اعتراض می گشاید. فرد معترض را دستگیر و به محضر شاهی می آورند. او می گوید که نامش کاوه است و به آهنگری اشتغال دارد. خروشید و زد دست بر سر زشاه / که شاهان منم کاوه دادخواه
ز تو بر من آمد ستم بیشتر / زنی بر دلم هر زمان نیشتر
مرا بود هژده پسر در جهان / ازیشان یکی مانده است این زمان
کاوه می خواهد که ضحاک این آخرین فرزند را بر او ببخشد. او می گوید که دیگر فرزندانش همه طعمه ماران نشسته بر دو دوش ضحاک شده اند.

کاوه از شدت خشم، آن سند گواهی شده را که به دروغ بر دادگسترانی ضحاک صحه می گذارد، بی مهابا پاره می کند. نمایندگان جیون و بریده از مردم را زیر آتش انتقاد می گیرد که چگونه واقعیات جامعه را به فراموشی

سپرده اند و به دروغ گواهی داده اند.
کاوه مجلس شاه خودکامه را ترك می گوید. در بیرون، مردم ناراضی و منتظر را می خروشانند و آنها را به استیفای حقوق خویش فرامی خواند :

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه / بر او انجمن گشت بازارگاه
همی بر خروشید و فریاد خواند / جهان را سراسر سوی داد خواند
و زان چرم کاهنگران پشت پای / بپوشند هنگام زخم دَرای
همان کاوه آن بر سر نیزه کرد / همانگه زیبار برخواست گرد
خروشان همی رفت نیزه بدست / که ای نامداران یزدان پرست
یکایک به سوی فریدون شویم / بدان سایه فر او بغنویم
اینک فریدون از خفیه گاه خویش بیرون می آید و کلاه افسری بر سر می نهد و رهبری جنبش توده ای را به عهده می گیرد. کاوه آهنگر پیشاپیش خیزش عمومی، درفش کاویانی را حمل می نماید. سرانجام، قیام مردم به سرکردگی کاوه پیروز می شود و حکومت تحمیلی ضحاک سقوط می کند.
شاهنامه حکایت می کند که پس از دستگیری ضحاک، سروش پیام می آورد که بی وقفه و بدون

همراهی لشکر، فریدون او را به کوه دماوند برده آنجا زندانی کند :
بیامد هم آنگه خجسته سروش / به خوبی یکی راز گفتش به گوش
که این بسته را تا دماوند کوه / ببر هم چنان تازیان بی گروه
بدین نحو، مردمان از ستم و بیداد ضحاک رهائی یافتند. فریدون بر ستم هزار ساله سامیان غلبه می یابد و مقدمات تاجگذاری او فراهم می شود.

مهرگان (یعنی روز مهر از ماه مهر) روزی است که فریدون به همراهی کاوه در نبرد با ضحاک وارد دوش پیروز گردید. از آن روز به بعد، مهرگان را به پاس این پیروزی خجسته داشتند. پس از شکست ضحاک، مهرگان جشن شاهانی می شود که از فره ایزدی برخوردارند و راستی و داد را پاس می دارند.
فریدون فرخ فرشته نبود / زمشک و ز عنبر سرشته نبود
به داد و دهش یافت آن نیکوئی / تو داد و دهش کن، فریدون تویی
*

در اساطیر ایرانی، ضحاک نماد يك سیستم ظالمانه است که در دوره او، ایرانیان به اسارت يك حکومت بیگانه گرفتار می شوند. ضحاک شخصیتی افسانه ای است که خاستگاه او خطه تمدن آفرین بین النهرین است. پس از استیلا بر ایران زمین، برای آرام کردن مارانش، که همانا تمایلات قدرت پرستی و گرایشات غریزی ضحاک اند، هر روز دو جوان باید قربانی می شدند.
آسفا که افسانه ضحاک و پشتیبانی از بیگانه در تسخیر ایران، در واقعیت تاریخ نیز اتفاق می افتد.
خسته از ساسانیان، ایرانیان حمله اعراب تازی را فرجی شمردند برای رهائی از وضعیت ناگوار موجود. اعراب تازه مسلمان شده، وعده برادری و برابری می دادند. ایرانیان بیزار از مظالم ساسانی، به وعده های اعراب مهاجم دلخوش داشتند و راه استیلاي آنان را هموار نمودند. غافل از آن که: دین جدید اگر به ذات و گوهر روشنگر است، شمشیر از نیام کشیدن را دیگر چه حاجت دارد.
*

کیان (به معنی جمع کی) یعنی پادشاه بزرگ. همچنین کیان نام سلسله ای از پادشاهان ایران بعد از پیشدادیان است. شاهان کیانی، که در عین حال مقام دینی را نیز دارا بودند، در ایران خاوری حکومت می کردند. ذبیح الله صفا در کتاب؟ حماسه سرائی در ایران؟ (صص ۴۸۸-۴۹۱) معتقد است که دودمان کیانی واقعیت تاریخی داشته است. پیشدادیان و کیانیان را عهد اساطیری و پهلوانی، در خاطره جمعی ایرانیان باستان، باید تلقی کرد. با قتل رستم در عهد کیانیان، دوره اسطوره باوری پایان می یابد و دوره جدیدی در اعتقادات آغاز می شود. از اواسط حکومت ماد، می توانیم مدعی شویم که شواهد تاریخی و باستانشناسی کافی برای آغاز عهد تاریخی، به معنی علمی آن، موجود است. آئین زرتشت از دوره مادها با استقبال توده ای مواجه می گردد و انکشاف می یابد.
*

باری، با آن که اصل و نژاد فریدون از کیانیان است، اما نباید به اشتباه او را پادشاهی کیانی محسوب کرد . فریدون خدشاهی در عهد پیشدادی است که پس از جمشید و سپری شدن دوره ستم ضحاک، بر سریر قدرت تکیه می زند و بر سرزمین های آریایی، که هنوز از یکدیگر منفک نگردیده اند، فرمانروایی می کند.

سرزمین های آریائی نشین در اسطوره فریدون به سه بخش میان پسران تقسیم می شود. این اسطوره همانطور که قبلاً ذکر شد، از جدائی های ناگزیر اقوام اولیه آریائی خبر می دهد. این انفصال به تدریج رو به تعمیق نهاد و منجر به پیدایش فرهنگ ها، تمدن ها و سیستم های حکومتی و اداری گوناگون و منفک از یکدیگر گردید. این سه بخش عمده منفصل از یکدیگر عبارت بودند از :

۱- مناطق آریائی نشین در آسیای میانه ۲- اقوام آریائی مستقر در هند و ایران ۳- اقوام آریائی مهاجر و سکنای گزیده در جنوب غربی اروپا تا حدود آناتولی. جنگ های افسانه ای میان ایران و توران، از انفصال پیوندهای خویشاوندی اولیه حکایت ها می پروراند. پس از ظهور زرتشت، ایرانیان آئین زرتشت را عموماً پذیرا می شوند؛ در حالی که تورانیان زرتشت گری را نمی پذیرند. از همینجا اختلاف میان ایرانیان و تورانیان، علیرغم پیوندهای نژادی و فرهنگی عدیده، آغاز می شود

جنگ های ایرانیان با یونانیان از طرف دیگر، بعدها در پادشاهی هخامنشی بالا می گیرد و به لشکرکشی اسکندر به ایران منجر می گردد. این جنگ و ستیزها، از تفاوت های فکری و مذهبی ایرانیان و یونانیان پرده برمی دارند. یونانیان از قرن ششم پیش از میلاد، به تدریج، عصر اسطوره باوری را به کناری نهاده و به اندیشه فلسفی بدون پایبندی های دینی روی آوردند. ایرانیان در مقابل، از همان سده ششم پیش از میلاد، با سپری کردن عهد اساطیری، به دوران ادیان وحدانی وارد شدند و تعقل فلسفی را مستقل از پیش داوری های عقیدتی هرگز پذیرا نشدند